

رابطه بین سبک‌های دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان دختر متوسطه اول ناحیه ۲ قزوین

شهلا اسفندیاری^۱، دکتر رضا شعبان نژاد خاص^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تاکستان، قزوین، Shes4454@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، قزوین، ت phd_shabannejad@yahoo.com

چکیده

در این تحقیق به بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان دختر متوسطه اول ناحیه ۲ قزوین پرداخته شد. این پژوهش بر اساس دسته بندی تحقیقات از نظر هدف یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود و از نظر روش گردآوری داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان دختر متوسطه اول ناحیه ۲ قزوین بودند. روش نمونه گیری تصادفی ساده است، حجم نمونه در جامعه 1200 نفری، 291 نفر در نظر گرفته شد. روایی و پایایی پرسشنامه تایید شد و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SmartPLS و تکنیک معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها نشان دادند بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی

سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا، مهارت‌های اجتماعی.

1. مقدمه

امروزه انسان‌ها برای داشتن روابط محکم‌تر در جامعه و اینکه بتوانند نیازهای خود را به خوبی برآورده نمایند نیاز دارند تا مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب نمایند و از این طریق روابط خود را بهبود بخشند. در نظر گرفتن این نوع از مهارت‌ها برای دانش آموزان بسیار کمک کننده می باشد. بسیاری از محیط های آموزشی این امکان را برای دانش آموزان فراهم می نمایند تا توانائی های دانش آموزان در مهارت های اجتماعی را بهتر نمایند. برخی از دل بستگی های افراد منجر به ارائه رفتارهایی می گردد که تاثیرات مثبتی را برای رشد فردی ایجاد می نماید. همین امر در موفقیت فرد در جامعه موثر خواهد بود. توانایی فرد در برقراری روابط نزدیک با دیگران یکی از مهمترین ویژگی های یک شخصیت سالم است. روابط نزدیک به طور قابل توجهی بر فرآیندهای رشد فردی و اجتماعی افراد تأثیر می گذارد. دل بستگی اولیه فرد در اوایل رشد با مراقب(های) اولیه او ایجاد می شود. این رابطه یک چارچوب شناختی را فراهم می کند که نحوه درک و تعامل فرد با محیط خود را فراتر از اوایل کودکی نشان می دهد. این چارچوب مرجع مثبت، حس خودکارآمدی را فراهم می کند، در نتیجه انتقال موفقیت آمیز نوجوان به بزرگسالی را تسهیل می کند(داریینزو¹ و همکاران، 2019). دل بستگی رفتاری است که در اثر نزدیکی یا بیگانگی از یک فرد انتخاب شده و یا متمایز، برانگیخته می شود. حمایت مستقیم از تداوم سبک های دل بستگی توسط مطالعه واترز مریک، تربوکس، کراول و آلبرشیم (2000) ارائه شده است. آنها شواهد قوی از شباهت بین سبک های دل بستگی در دوران نوزادی و سبک های دل بستگی در بزرگسالی ارائه می دهند(منده² و همکاران، 2019). تحقیقات نشان می دهد که جهت گیری های دل بستگی در شکل گیری انتظارات رابطه ای حیاتی هستند (شرمن، رایس، و کسیدی، 2015)، و بهزیستی کلی را پیش بینی می کنند(کیم و میلر³، 2020). سبک های دل بستگی افراد نه تنها بر وجود عواطف تأثیر دارد، بلکه بخش مهمی از رشد مهارت های اجتماعی است. ریجو (1986) مدلی را پیشنهاد کرد که مهارت های عاطفی و اجتماعی را ارزیابی می کند، زیرا هر یک مجموعه ای از توانایی های بین فردی خاص هستند که تعامل اجتماعی را تسهیل می کنند. مهارت های عاطفی و اجتماعی از طریق بیان، کنترل و حساسیت سنجیده می شود(ناوارو-گیل⁴ و همکاران، 2020). فقدان مهارت های اجتماعی می تواند باعث مشکلات تحصیلی و اجتماعی و اثرات منفی در آینده شود. کودکانی که مهارت های اجتماعی کافی کسب کرده اند، نسبت به کودکانی که فاقد این مهارت ها هستند، در برقراری ارتباط با همسالان خود و یادگیری در محیط آموزشی بهتر هستند. بسیاری از کودکانی که در مهارت های اجتماعی مشکل دارند، مورد پذیرش همسالان خود قرار نمی گیرند و در معرض ناهنجاری های رفتاری مختلف قرار می گیرند(باراتی⁵ و همکاران، 2019). از آنجایی که افراد اولین مکان اجتماعی که روابط قوی در آن شکل می گیرد مدرسه می باشد، دانستن روحیات آنها و میزان دل بستگی شان به خانواده و دوستان می توان مانع ایجاد مشکلات هنجاری در بزرگسالی گردد. با در نظر گرفتن دل بستگی دانش آموزان به یک سبک زندگی و در نظر گرفتن تغییرات احتمالی می توان، مشکلات رفتاری آنها را تا حد زیادی کنترل نمود. زمانیکه دانش آموزان نتوانند مهارت های اجتماعی مناسبی را داشته باشند، باعث ایجاد مشکلات و هزینه های بسیاری برای مدارس شده و می توانند روند رشد و آموزش را برای معلمین و مدیریت با سختی زیادی مواجه نمایند و همین امر منجر به کاهش علاقه و انگیزه در آموزش و حتی یادگیری دیگر دانش آموزان شده و الگوی رفتاری نامناسبی برای آنها بوجود می آید. لذا محقق برآن شد تا با انجام این تحقیق پاسخی برای پرسش اصلی زیر بیابد: آیا رابطه بین سبک های دل بستگی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین معنادار است؟

¹ D'Arienzo

² Mende

³ Kim & Miller

⁴ Navarro-Gil

⁵ Bharathi

2. پیشینه پژوهش

در پژوهش های داخلی با بررسی انجام شده؛ رفعتی و همکاران (1401) تحقیقی با عنوان نقش سبک های دلبستگی در مهارت های ارتباطی و ارزیابی نمرات تحصیلی دانشجویان انجام دادند. پژوهش با هدف شناسایی نقش سبک های دلبستگی در مهارت های ارتباطی و ارزیابی نمرات تحصیلی دانشجویان طراحی و اجرا شد. یافته های حاصل از پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با مهارت ارتباطی (بعد توانایی دریافت و ارسال پیام)، کنترل عاطفی و مهارت گوش دادن از مهارت های ارتباطی رابطه منفی و معنی دار مشاهده می شود. بین سبک دلبستگی اجتنابی با مهارت های ارتباطی و خرده مقیاس های آن رابطه قوی منفی و معنی دار وجود دارد. بین سبک دلبستگی ایمن با ارزیابی نمرات تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود داشت و بین سبک های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی رابطه منفی با ارزیابی نمرات تحصیلی دانشجویان وجود داشت. همچنین با بررسی های که در پژوهش های خارجی انجام شد کوران⁶ و همکاران (2021) تحقیقی با عنوان (سبک های دلبستگی بزرگسالان مادر و انتقال مهارت های اجتماعی و عزت نفس مادر به کودک) انجام دادند. هدف این مطالعه بر اساس اصول نظریه دلبستگی و نظریه یادگیری اجتماعی، بررسی چگونگی ارتباط سبک های دلبستگی مادر با پیامدهای روانی اجتماعی والدین و کودک بود. نتایج حاکی از تأثیرات غیرمستقیم معنادار دلبستگی ایمن و مشغله مادر به مهارت های اجتماعی کودک از طریق مهارت های اجتماعی مادر بود. نتایج همچنین ارتباط غیرمستقیم دلبستگی ایمن مادر با عزت نفس کودک را از طریق عزت نفس مادر نشان داد. لسکوک⁷ و همکاران (2021) تحقیقی با عنوان (دلبستگی و علائم سلامتی: نقش میانجی مشکلات تنظیم هیجان) انجام دادند. نتایج نشان داد که هم دلبستگی اضطرابی و هم دلبستگی اجتنابی با علائم سلامتی در سطح همبستگی دو متغیره رابطه مثبت دارند. با این حال، هنگامی که هر دوی آنها در یک مدل میانجی کنترل شدند، فقط اضطراب دلبستگی بود، و نه اجتناب از دلبستگی، که یک پیش بینی کننده مثبت و قابل توجه برای اکثر کلاس های علائم سلامتی بود: علائم رویشی، آگورافوبیک، هراس اجتماعی و شدت علائم جهانی. اولدمیدو⁸ و همکاران (2013) تحقیقی با عنوان (سبک دلبستگی، مهارت های اجتماعی و استفاده از فیس بوک در میان بزرگسالان) انجام دادند. مطالعه استفاده از فیس بوک را از دیدگاه تئوری دلبستگی بزرگسالان، بررسی روابط بین اضطراب دلبستگی و اجتناب و استفاده از فیس بوک بررسی کرد. مشخص شده است که مهارت های اجتماعی با سبک دلبستگی و استفاده از اینترنت مرتبط است، آنها بیان کردند مطابق با پیش بینی های مبتنی بر نظریه دلبستگی، متوجه شدیم که افراد دارای اضطراب دلبستگی بالا بیشتر از فیس بوک استفاده می کنند، به احتمال زیاد در هنگام احساس احساسات منفی از فیس بوک استفاده می کنند و بیشتر نگران این هستند که دیگران چگونه آنها را در فیس بوک درک می کنند. اجتناب از دلبستگی زیاد با استفاده کمتر از فیس بوک، باز بودن کمتر و نگرش مثبت کمتر نسبت به فیس بوک مرتبط بود. زمانی که مهارت های اجتماعی کنترل می شد، این روابط باقی ماند. ابراهیم⁹ و همکاران (2018) تحقیقی با عنوان (تأثیر سبک های دلبستگی بر بهزیستی دانشجویان دانشگاه و کالج مالدیو، میانجی گری رفتار اجتماعی، مهارت های اجتماعی، عزت نفس و اعتماد به دیگران) انجام دادند. پژوهش سعی در بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سبک دلبستگی بر بهزیستی داشت که با واسطه رفتار اجتماعی، مهارت های اجتماعی، عزت نفس و اعتماد به دیگران انجام داد. در این مطالعه دو مدل سلسله مراتبی از طریق چهار متغیر میانجی استناد شده، مطرح، ارزیابی و از نظر اثربخشی آنها در تبیین تأثیر سبک دلبستگی متغیر برونزا بر متغیر ملاک بهزیستی مقایسه شدند. علاوه بر این، این فرضیه وجود داشت که بر اساس جنسیت، تفاوت های معناداری در روابط پیشنهادی در مدل وجود دارد. نتایج تأیید کرد که الگوهای روابط ساختاری بین سبک دلبستگی و بهزیستی برای شرکت کنندگان زن و مرد مالدیو به طور مشابه عمل می کند. در واقع، هیچ تفاوت جنسیتی قابل توجهی در روابط فرضی یافت نشد.

3. مبانی نظری

3.1. تعاریف مفهومی:

سبک های دلبستگی:

⁶ Curran

⁷ Lewczuk

⁸ Oldmeadow

⁹ Ibrahim

سبک دلبستگی افراد میتواند بر بهزیستی و ابعاد آن اثرگذار باشد. نظریه دلبستگی بر تاثیرات زیربنایی اولیه بر رشد هیجانی کودک تاکید دارد و تلاش می کند تا رشد و تغییرات را در دلبستگی های هیجانی قوی بین افراد در دوران زندگی شان تبیین نماید (کاسیوپو¹⁰ و همکاران، 2019).

سبک دلبستگی ایمن:

افراد دارای سبک دلبستگی ایمن مستعد دیدگاه مثبت تری نسبت به خود و دیگران هستند. از آنجایی که خود را شایسته محبت می دانند، فرد تمایل بیشتری برای نشان دادن این عشق به دیگران دارد (بلتران¹¹ و همکاران، 2020).

سبک دلبستگی اجتنابی:

سبک دلبستگی اجتنابی با تجربیاتی مرتبط است که به موجب آن فرد تنها به دنبال صمیمیت و آرامش از مراقب خود بود تا هر تلاشی را که به طور پیوسته از مراقب او سرچشمه می گرفت، پیدا کند (دیمرسی¹² و همکاران، 2020).

سبک دلبستگی دوسوگرا:

سبک دلبستگی دوسوگرا یا سبک دلبستگی مضطرب در افراد ایجاد می شود که به طور متناقض عاطفی را دریافت می کنند و هرگز نمی توانند به اینکه والدینشان در دسترس آنها هستند یا خیر تکیه کنند (تیکسرا¹³ و همکاران، 2019).

مهارت های اجتماعی:

مهارت اجتماعی عبارت است از رفتارهای انطباقی فراگرفته که فرد را قادر می سازد با افراد مختل روابط متقابل داشته باشد، واکنشهای مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارد، اجتناب نماید (سوریانتو¹⁴ و همکاران، 2021).

2.3. سبک های دلبستگی

دلبستگی پیوند عاطفی پایداری را توصیف می کند که بین دو فرد شکل می گیرد. سیستم دلبستگی یک مکانیسم تکاملی در نظر گرفته می شود که بقا را ارتقا می دهد و به این ترتیب با سه ویژگی متمایز مشخص می شود. اولاً، افرادی که مایلند در تماس نزدیک با شخصی که به او دلبستگی برقرار کرده اند، مشخص می شود. به دلیل حفظ نزدیکی، جداسازی غیرارادی از رقم دلبستگی ایجاد شده به عنوان تجربه استرس زا است و اغلب با اعتراض مواجه می شود. ویژگی دوم این است که شخصیت دلبستگی به عنوان یک «پناهگاه امن» در مواقع پریشانی برای تأمین آسایش، حمایت و حفاظت جستجو می شود. ثالثاً، شکل دلبستگی به عنوان «پایه ای امن» تکیه می شود که فرد می تواند آزادانه جهان را کشف کند. اولین پیوندهای دلبستگی بین نوزادان و مراقبان اولیه آنها شکل می گیرد. بر اساس کیفیت این تعاملات، نوزادان مجموعه ای منحصر به فرد از انتظارات یا بازنمایی ذهنی از خود و دیگران در روابط دلبستگی ایجاد می کنند. اهمیت ویژه ای در تعیین نوع مدل کاری که ایجاد می شود، پاسخگویی مراقبین به ناراحتی نوزاد است (دمیکوگلو و کنکوکز¹⁵، 2021). از آنجایی که تحقیقاتی که به طور خاص بر دلبستگی بزرگسالان و خود شایستگی کودکان متمرکز شده است به طور صریح مورد بررسی قرار نگرفته است. دلبستگی اغلب به عنوان "پیوند عاطفی پایدار با شدت زیاد" تعریف می شود. تحقیقات در مورد دلبستگی در بزرگسالی ممکن است به دو مورد تقسیم شود: (الف) دلبستگی به والدین (مراقبان اولیه) به عنوان یک سازه پایدار که طول عمر را طی می کند، و (ب) دلبستگی عاشقانه به افراد مهم در بزرگسالی. مرکزی در اصول نظریه دلبستگی، این یافته است که این دو گروه موجودیت های منزوی نیستند، بلکه ماهیتاً همپوشانی و پویا هستند. هازان و زیفمن (1999) از طریق تحقیقات گسترده خود دریافتند که دلبستگی به همان اندازه که در روابط اولیه مراقبت کننده است، در روابط بزرگسالان نیز ضروری است. هر دو زمینه مطالعاتی ماهیت بسیار گسترده ای دارند، بنابراین، برای اهداف این پایان نامه، تنها تحقیقات مرتبط با دلبستگی عاشقانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در وابستگی فراتر از دوران نوزادی ایجاد شد (ویسمارا¹⁶ و همکاران، 2022). سبک دلبستگی بزرگسالان در روابط نزدیک مبتنی بر مبانی نظری نظریه

¹⁰ Cacioppo

¹¹ Beltrán

¹² Demirci

¹³ Teixeira

¹⁴ Suryanto

¹⁵ Demircioğlu & Göncü Köse

¹⁶ Vismara

دل‌بستگی است (یعنی راهی برای مفهوم‌سازی ماهیت پیوندهای رابطه معنادار و امنیت در روابط). برای اهداف این مطالعه و به منظور استفاده از جدیدترین ادبیات و تحقیقات، سطوح دل‌بستگی بزرگسالان بر اساس دو بعد مستمر زمینه‌ای، اضطراب مرتبط با دل‌بستگی و اجتناب مرتبط با دل‌بستگی مورد بحث و سنجش قرار می‌گیرد، اگرچه امتیازات در این تصورات پیوسته وجود دارد. ظرفیت مفهوم‌سازی به عنوان یکی از چهار "سبک" دل‌بستگی طبقه‌بندی شده بر اساس تحقیقات بارتولومی و هوروویتز (1991). بزرگسالانی که تمایل به گزارش نمرات پایین تری در هر دو بعد اضطراب مرتبط با دل‌بستگی و اجتناب دارند، عموماً به عنوان افراد دل‌بسته ایمن در نظر گرفته می‌شوند. بزرگسالان با سبک دل‌بستگی ایمن تمایل دارند خاطرات و قضاوت‌های ثابت دوران کودکی خود را با سهولت نسبی به یاد بیاورند و می‌توانند تأثیر تجربیات گذشته را بر تجربیات بین فردی خود در بزرگسالی تصدیق کنند. آنها تمایل دارند به طور مناسب و موثر از دیگران حمایت عاطفی بگیرند. تحقیقات گذشته نشان داده است که سبک دل‌بستگی ایمن با ادراک تطبیقی، درک، تسهیل و مدیریت احساسات همبستگی مثبت دارد (اسچیمنتی¹⁷ و همکاران، 2021). بزرگسالانی که نمرات پایینی در اجتناب مرتبط با دل‌بستگی و نمرات بالایی در اضطراب ناشی از دل‌بستگی بیان می‌کنند، در نظر گرفته می‌شوند که با شکل منحصر به فردی از دل‌بستگی نایمن، که به عنوان مشغله یا مضطرب/دوسوگرا تصور می‌شود، دست و پنجه نرم می‌کنند. این شکل از دل‌بستگی نایمن با یک مشغله ذهنی و عاطفی به روابط گذشته و/یا حال مشخص می‌شود، با مشغله اولیه حول این موضوع که آیا افراد مهم به راحتی در دسترس خواهند بود یا نه و به احتمال زیاد آنها را ترک یا ناامید نمی‌کنند. در حالی که این افراد تمایل شدیدی برای صمیمیت در روابط دارند، ممکن است درگیر این باشند که آیا می‌توانند به افراد مهم خود وابسته باشند تا به طور مداوم و یا به اندازه کافی نیازهایشان را برآورده کنند. شکل دیگری از دل‌بستگی نایمن، که به عنوان رد کردن اجتناب‌کننده از کار در نظر گرفته می‌شود، در بزرگسالانی رخ می‌دهد که گزارش بالایی دارند. نمرات اجتناب مرتبط با دل‌بستگی و نمرات پایینی در ابعاد دل‌بستگی-اضطراب. بزرگسالان طردکننده معمولاً نسبت به توانایی‌های دیگران برای ارائه حمایت عاطفی و اجتماعی در صورت نیاز، بی‌اعتمادی عمیقی را تجربه می‌کنند. این بی‌اعتمادی ممکن است به ارائه چهره‌ای (ممکن) از خود به عنوان مستقل، خودکفا و شایسته به جهان تبدیل شود. این بزرگسالان ممکن است در دوران کودکی آموخته باشند که نشان دادن آسیب‌پذیری و نیاز غیرقابل قبول است، که ممکن است به طور قابل درک منجر به تمایلات بعدی در بزرگسالی برای انکار نیازهای ذاتی خود و دیگران برای حمایت عاطفی و ارتباط اجتماعی شود (مهدحسین¹⁸ و همکاران، 2021).

1.2.3. سبک دل‌بستگی ایمن

یکی از سبک‌های دل‌بستگی که در ابتدا توسط آثار بولبی (1973، 1982) و آیزنورث (1978) فرموله شد. همانطور که توسط هازان و شاور (1987) تعریف شده است، افرادی که به طور ایمن متصل شده‌اند، نزدیک شدن به دیگران را نسبتاً آسان می‌دانند. آنها با توجه به دیگران راحت هستند و داشتن دیگران به آنها بستگی دارد. و نگران دور شدن یا نزدیک شدن کسی به آنها نیستند. افرادی که با این سبک دل‌بستگی همذات‌پنداری می‌کنند، روابط گرم تری را در دوران کودکی با هر دو والدین یا مراقبین و بین دو والدین یا مراقبان خود گزارش می‌دهند. مشخصاً با اضطراب کم و حداقل رفتارهای اجتنابی تعریف می‌شود. افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن مستعد دیدگاه مثبت تری نسبت به خود و دیگران هستند. از آنجایی که خود را شایسته محبت می‌دانند، فرد تمایل بیشتری برای نشان دادن این عشق به دیگران دارد. مشخصه با هر دو اضطراب کم و حداقل رفتارهای همسان تعریف شده است (ناکھول¹⁹ و همکاران، 2020). به نظر می‌رسد سبک دل‌بستگی ایمن بزرگسالان منابعی را برای حضور انعطاف‌پذیر و غیرتدافعی در دنیای بین فردی فراهم می‌کند. جنبه‌های تجربه معمولاً برای حفظ دیدگاه خاصی از روابط بسته نمی‌شوند. همچنین مشکلات قبلی آنقدر طاقت‌فرسا نیستند که فرد نتواند به فاصله‌ای از آنها دست یابد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد بزرگسالانی که دل‌بستگی ایمن دارند، انتظار دارند که دیگران برایشان در دسترس باشند. این امر آنها را به رفتارهایی سوق می‌دهد که مشارکت بین فردی پاداش‌دهنده را حفظ می‌کند، که انتظارات آنها از دیگران و خودشان را تأیید می‌کند و مدل‌های کاری مثبت درونی را تداوم می‌بخشد.

2.2.3. سبک دل‌بستگی اجتنابی

¹⁷ Schimmenti

¹⁸ Mohd Hasim

¹⁹ Nakhoul

یکی از سبک های دلبستگی که در ابتدا توسط آثار بولبی (1973، 1982) و آیزنورث (1978) فرموله شد. همانطور که توسط هازان و شاور (1987) تعریف شده است، افراد وابسته اجتنابی از نزدیک بودن به دیگران تا حدودی ناراحت هستند. آنها برایشان مشکل است که به آنها کاملاً اعتماد کنند و به سختی به خود اجازه می دهند به آنها وابسته باشند. وقتی کسی خیلی به آنها نزدیک می شود عصبی می شوند. و شرکای عشقی آنها اغلب می خواهند که آنها بیشتر از آن که احساس راحتی کنند، صمیمی باشند (ال فردن²⁰ و همکاران، 2022). کیفیت رابطه با مراقب را دور و طردکننده نسبت به نیازهای دلبستگی کودک توصیف می کند. محبت با انزجار تلقی می شود و تماس فیزیکی با چهره وجود ندارد. این سبک اجتنابی از دلبستگی معمولاً در کودکانی گزارش شده است که جدایی قابل توجهی از مراقب/مادر خود را تجربه کرده اند. والدین طردکننده و بی احساس از سوی مراقب کودک را به سمت سبک «اجتنابی» از راهبرد مقابله سوق می دهد. این مکانیسم مقابله اجتنابی با محدود بودن احساسات منفی و یکپارچگی شخصی کودک را حفظ می کند. سبک دلبستگی اجتنابی با این احساس تلویحا می شود: «از نزدیک بودن به دیگران احساس ناراحتی می کنم» یا «اعتماد کامل به دیگران برایم مشکل است» یا «وقتی کسی خیلی نزدیک می شود عصبی می شوم». به طور کلی، نوزادانی که وابستگی اجتنابی به والدین خود ایجاد کرده اند، تمایل دارند به دنبال رابطه تنگتر با والدین یا شریک زندگی خود باشند، اما در صورتی که این رابطه ظالمانه یا خیلی فشرده شود، ممکن است ناراحت شوند. اما پس از آن، نمونه هایی از الگوهای اجتنابی کدامند؟ نشان داده شده است که این نوع رفتار می تواند توسط والدینی تحریک شود که گریه را منصرف کرده و به استقلال در فرزندان خود تشویق می کند (فرارلی²¹ و همکاران، 2021).

3.2.3 سبک دلبستگی دوسوگرا

در کودکانی که مراقبت را به صورت متناقض و با دوره های طرد شدن تجربه می کنند، ایجاد می شود. در چنین شرایطی، کودک شروع به این سؤال می کند که آیا والدین قابل اعتماد هستند یا نه و تمایل دارد از والدین عصبانی شود. کودک در مورد در دسترس بودن والدین خود نگران می شود. کودک آرزوی لحظات آرامش و ارتباط با مراقب را دارد. سرمایه گذاری عاطفی قوی کودک باعث ناراحتی درونی می شود هر بار که احساسات توسط مراقب متقابل نمی شوند. سبک دلبستگی دوسوگرا یا سبک دلبستگی مضطرب در کودکانی ایجاد می شود که به طور متناقض عشق و محبت دریافت می کنند و هرگز نمی توانند به اینکه والدینشان در دسترس آنها هستند یا خیر تکیه کنند. از این به عنوان یک دلبستگی مضطرب نیز یاد می شود. این سبک دلبستگی ناایمن ممکن است منجر به احساس خشم یا حسادت در برخی افراد و پذیرش منفعلانه برای برخی دیگر شود. همچنین می تواند منجر به کودکی شود که پر از ناامنی است و دائماً به دنبال پر کردن خلاء والدین بی توجه است. افرادی که دارای این سبک دلبستگی مضطرب-مشغول هستند تمایل دارند که به شریک زندگی خود نیاز داشته باشند تا آنها را نجات دهد، یا ممکن است به شریک زندگی خود نیاز داشته باشند تا آنها را کامل کنند. اگرچه آنها دائماً به دنبال ایمنی و ثبات هستند، رفتار آنها اغلب نتیجه معکوس دارد (اورلیت²²، 2019). افراد احتمالاً حمایت و پرورش متناوب را در دوران بزرگسالی دریافت کردند که با یک دلبستگی اجتنابی همسو است. ویژگی های بزرگسالان دوسوگرا عبارتند از: آن ها می خواهند بیشتر از آنچه که شریک دوست دارد به شریک عاشقانه شان نزدیک تر شوند و وابستگی عاطفی ایجاد کنند. وسواس برای بودن با شرکای عاشقانه آنها می تواند خیلی خفه کننده به نظر برسد و آنها را بترساند. درک تجارب اولیه دوران کودکی و پردازش آنها یک گام اساسی در غلبه بر سبک های دلبستگی ناایمن است، خواه دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا یا ناسازگار باشد (سلیکباش و الکار²³، 2022).

3.3 مهارتهای اجتماعی

مهارتهای اجتماعی. مشکلات در شایستگی اجتماعی و روابط با همسالان اغلب خود را در مدرسه نشان می دهد. کودکانی که کاستی های مداوم مهارت های اجتماعی و مشکلات ارتباط با همسالان را نشان می دهند، اغلب در مدرسه دچار مشکل می شوند و در نتیجه اغلب نمی توانند از آموزش استفاده کنند. شایستگی اجتماعی به طور مثبت با احساس شادی و درگیر شدن در مدرسه و عدم ترک تحصیل ارتباط دارد. علاوه بر این، شایستگی اجتماعی به طور مستقیم با پیشرفت تحصیلی در برخی از جمعیت ها مرتبط است. مهارت های اجتماعی نوع شناسی خاصی از رفتارهای آموخته شده است که افراد برای درگیر شدن موثر در یک کار اجتماعی، از جمله ایجاد

²⁰ El Frenn

²¹ Fraley

²² Orlaith

²³ Çelikbaş & Alçınkaya-Alkar

دوستی، درگیر شدن در گفتگو و بازی کردن، نشان می دهند. دیگران همچنین مهارت های اجتماعی را بر حسب روابط با همسالان، خود مدیریتی، تبعیت و ادعا تعریف کرده اند. علاوه بر این، دیگران مهارت های اجتماعی را از نظر رفتاری تعریف کرده اند که شامل پاسخ های کلامی و غیرکلامی بین فردی است که به کودکان ارائه می دهد (افضل و حسین^۴، 2020). این مهارت ها برای دستیابی به شایستگی اجتماعی، پذیرش همسالان، مهارت تحصیلی، افزایش عزت نفس و سازگاری روانی مورد استفاده قرار می گیرند. مهارت های اجتماعی از ساختار گسترده تر شایستگی اجتماعی، یک اصطلاح چند بعدی و چتر، متمایز می شوند تا شامل مهارت های رفتاری مختلف و مؤلفه های سازگاری شناختی و عاطفی باشد که پیامدهای اجتماعی مثبت را تسهیل می کند. اگرچه مهارت های اجتماعی مرتبط هستند، اما از نظر تئوری، تابع شایستگی اجتماعی تلقی می شوند و مبنای ارزیابی اجتماعی از سوی افراد در محیط اطراف را فراهم می کنند. به عنوان یک توانمندساز تحصیلی، مهارت های اجتماعی شامل همکاری با معلمان و همسالان، پیروی از قوانین کلاس، پاسخ مناسب به تعارض و درخواست کمک است. علاوه بر این، مهارت های اجتماعی از رفتارهای مشکل ساز، از جمله رفتارهای عدم انطباق یا عدم همکاری، که از رفتار اجتماعی مثبت جلوگیری می کند و ناشی از فقدان خودکنترلی است، متمایز می شود. این رفتارهای مشکل ساز، احتمال یادگیری و/یا انجام مهارت های اجتماعی را کاهش می دهد. به طور مشابه.

4. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است زیرا به بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین پرداخته و نتایج می تواند در این جامعه مورد استفاده قرار گیرد. از نظر روش پژوهش توصیفی است زیرا داده ها دستکاری نشده و به توصیف شرایط در زمان حال می پردازد و همبستگی است زیرا پژوهشگر می کوشد تا نوع رابطه میان یک چند متغیر را شناسایی یا درک نماید. به بیان ساده، تحقیقات همبستگی در پی ترسیم نوع رابط میان متغیرها هستند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان دختر متوسطه اول ناحیه ۲ قزوین می باشند. که تعداد آنها بر طبق آمار اداره مربوطه 1200 نفر که از این تعداد بر طبق جدول مورگان 291 نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب می شوند. برای بدست آوردن مبانی نظری مورد نیاز برای هر یک از متغیرهای تحقیق و ارائه اطلاعاتی در این زمینه به استفاده کنندگان از این تحقیق، محقق به مطالعه مقالات داخلی و خارجی، پایان نامه ها و کتابهای مرتبط با موضوع تحقیق پرداخت. مطالبی را در این تحقیق بکار گرفت که به روز بوده و ارتباط بیشتری در زمینه موضوع تحقیق دارند. برای بدست آوردن پرسشنامه هایی که محقق بتواند در تحلیل نمودن از آنها استفاده نماید، پرسشنامه ها بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین توزیع قرار گرفت. برای این کار از مدیریت و مجوز کسب نموده و پرسشنامه های تأیید شده بین دانش آموزان ارائه گردید. سپس برای تبدیل پاسخ های دانش آموزان به اعداد کمی قابل استفاده، محقق طیف لیکرت را به طیف کمی تغییر داد. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید و که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از 80 / است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است و روایی آن 95 / است و پرسشنامه مهارت های اجتماعی ماتسون دارای 56 سوال بوده و هدف آن سنجش مهارت های اجتماعی از ابعاد مختلف (مهارت های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیر اجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن، رابطه با همسالان) است. روایی سازه این پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت و پنج عامل بدست آمد و همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (0) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (+1) به معنای پایایی کامل قرار می گیرد و هر چه مقدار بدست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می شود. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مهارت های اجتماعی ماتسون است. برای تجزیه و تحلیل داده ها پس از گردآوری و استخراج داده های خام برای توصیف داده های جمعیت شناختی و بررسی وضعیت متغیرها در نمونه آماری از فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد. در نهایت، درآمار استنباطی از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن، پیرسون برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده می شود و برای تحلیل داده ها از نرم افزار spss و Smart PLS3 استفاده شده است.

5. یافته ها

1.5. فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی :

بین سبک های دلبستگی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی :

- 1- بین سبک دلبستگی ایمن با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.
- 2- بین سبک دلبستگی اجتنابی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.
- 1- بین سبک دلبستگی دوسوگرا با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.

2.5. یافته های پژوهش

1.2.5. ویژگی جمعیت شناختی نمونه آماری

جدول 1. توزیع فراوانی افراد پاسخ دهنده از نظر پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
هفتم	89	30/6
هشتم	91	31/3
نهم	111	38/1
جمع کل	291	100

همانطور که از داده های جدول 1 مشخص است، اکثر دانش آموزان معادل 38/1 درصد، پایه نهم هستند.

2.2.5. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از دو پرسشنامه (سبک های دلبستگی و مهارت های اجتماعی) استفاده شده است. در ادامه آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک پرسشنامه ها مورد بررسی قرار می گیرند.

جدول 2. آمار توصیفی سبک های دلبستگی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
سبک دلبستگی ایمن	3.36	0.753	-0.211	-0.686	1.75	4.88
سبک دلبستگی اجتنابی	2.61	0.807	-0.047	-0.684	1.00	4.40
سبک دلبستگی دوسوگرا	2.62	0.824	0.060	-1.171	1.20	4.20

با توجه به جدول 2، از بین متغیرهای پرسشنامه سبک دلبستگی بیشترین امتیاز را متغیر سبک دلبستگی ایمن با میانگین 3/36 و انحراف معیار 0/753 و کمترین امتیاز را متغیر سبک دلبستگی اجتنابی با میانگین 2/61 و انحراف معیار 0/807 کسب کرده است.

جدول 3. آمار توصیفی مهارت های اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
مهارت های اجتماعی مناسب	3.62	0.719	-0.259	-0.466	1.44	4.89
رفتارهای غیر اجتماعی	3.66	0.856	-0.627	-0.602	1.50	5
پرخاصگری	3.57	0.889	-0.529	-0.316	1.50	5
رفتارهای تکانشی	3.53	0.704	-0.504	-0.367	1.73	5
برتری طلبی	3.36	0.819	-0.321	-0.554	1.25	5
اطمینان زیاد به خود داشتن	3.52	0.936	-0.404	-0.357	1.00	5
رابطه با همسالان	3.44	0.760	-0.385	-0.630	1.44	5
مهارت های اجتماعی	3.55	0.622	-0.392	-0.512	1.91	4.79

با توجه به جدول 3، از بین متغیرهای پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی بیشترین امتیاز را متغیر رفتارهای غیر اجتماعی با میانگین 3/66 و انحراف معیار 0/856 و کمترین امتیاز را متغیر برتری طلبی با میانگین 3/36 و انحراف معیار 0/819 کسب کرده است.

3.2.5. آمار استنباطی

در این قسمت برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. در ادامه توضیح مختصری در مورد روش مورد استفاده ارائه شده است.

1.3.2.5. آزمون مدل اندازه گیری

به منظور سنجش روایی روش‌های گوناگونی وجود دارد که در این پژوهش با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش از چند بُعد (مؤلفه) تشکیل شده‌اند، از آزمون تحلیل عاملی تاییدی بهره گرفته شده است. در انجام تحلیل عاملی باید از این مسأله اطمینان حاصل شود که آیا می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرارداد یا نه. به عبارت دیگر، آیا داده‌های موردنظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده گردیده است. بر اساس این دو آزمون، داده‌ها زمانی برای تحلیل عاملی مناسب هستند که شاخص KMO بیشتر از (0/6) و نزدیک به یک و Sig آزمون بارتلت کمتر از (0/05) باشد. خروجی این آزمون-ها در جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول 4. آزمون KMO و بارتلت برای سؤالات پرسشنامه

آزمون KMO	0/769
χ^2	6306/584
درجه آزادی	325
Sig	0/001

با توجه به جدول 4؛ مقادیر مربوط به شاخص KMO و بارتلت و معناداری آن گزارش شده است. برای بررسی مناسب بودن تعداد داده‌های موجود در تحلیل از شاخص‌های KMO و آزمون بارتلت استفاده می‌شود. KMO برای مشخص کردن کفایت نمونه‌ها به کار می‌رود که چنانچه بیش از 0/6 باشد مناسب و اگر کمتر از 0/6 باشد، مناسب نیست. شاخص KMO در پژوهش حاضر برابر با 0/769 و بالاتر از مقدار 0/6 است که رقم قابل قبولی است و حاکی از آن است که نمونه انتخابی برای اجرای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. بارتلت بررسی می‌کند که ماتریس همبستگی، ماتریسی واحد می‌باشد یا خیر؟ اگر ماتریس برابر یک شود ارتباط معنی‌دار بین متغیرها وجود ندارد یعنی نمی‌توان عامل‌های جدید را بر اساس همبستگی متغیرها شناسایی کرد. شاخص بارتلت، در بررسی کفایت ماتریس در سطح $P \leq 0/01$ معنادار می‌باشد. به این معنا که ماتریس به دست آمده کفایت لازم را دارد و داده‌های این پژوهش توانایی عاملی شدن را دارند. این امر ما را به ادامه اجرای تحلیل عاملی مجاز می‌سازد.

برای بررسی فرضیه‌ها و آزمون معنی‌داری ضرایب مسیر بین متغیرها از خروجی نرم افزار استفاده شده است. ضرایب مسیر و نتایج مربوط به معناداری آنها در جدول زیر داده شده است.

جدول 5. نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری برای بررسی فرضیه‌های پژوهش

ردیف	مسیر	ضریب مسیر (β)	عدد معنی‌داری (t-value)	نتیجه آزمون
1	سبک دلبستگی ایمن ← مهارت‌های اجتماعی	0/262	4/653	تایید
2	سبک دلبستگی اجتنابی ← مهارت‌های اجتماعی	-0/412	4/197	تایید
3	سبک دلبستگی دوسوگرا ← مهارت‌های اجتماعی	-0/291	3/058	تایید

در ادامه با توجه به خروجی مدل مفهومی پژوهش به بیان و بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته خواهد شد.

فرضیه 1: بین سبک دلبستگی ایمن با مهارت‌های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق با جدول (5)؛ آماره معنی‌داری بین متغیر سبک دلبستگی ایمن و مهارت‌های اجتماعی برابر (4/653) می‌باشد که بزرگتر از مقدار (1/96) است و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان سبک دلبستگی ایمن و مهارت‌های اجتماعی در سطح اطمینان (95٪) معنی‌دار

است. همچنین ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (0/262) است و میزان تاثیر مثبت سبک دلبستگی ایمن بر مهارت های اجتماعی را نشان می دهد. به عبارتی دیگر یک واحد تغییر در سبک دلبستگی ایمن، موجب افزایش 0/262 واحدی در مهارت های اجتماعی خواهد شد. این بدان معناست که سبک دلبستگی ایمن بر مهارت های اجتماعی تاثیر مثبت و مستقیم دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تایید می شود.

فرضیه 2: بین سبک دلبستگی اجتنابی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق با جدول (5)؛ آماره معنی داری بین متغیر سبک دلبستگی اجتنابی و مهارت های اجتماعی برابر (4/197) می باشد که بزرگتر از مقدار (1/96) است و نشان دهنده این است که ارتباط میان سبک دلبستگی اجتنابی و مهارت های اجتماعی در سطح اطمینان (95٪) معنی دار است. همچنین ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (0/412-) است و میزان تاثیر منفی سبک دلبستگی اجتنابی بر مهارت های اجتماعی را نشان می دهد. به عبارتی دیگر یک واحد تغییر در سبک دلبستگی اجتنابی، موجب کاهش 0/412 واحدی در مهارت های اجتماعی خواهد شد. این بدان معناست که سبک دلبستگی اجتنابی بر مهارت های اجتماعی تاثیر منفی و مستقیم دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تایید می شود.

فرضیه 3: بین سبک دلبستگی دوسوگرا با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق با جدول (5)؛ آماره معنی داری بین متغیر سبک دلبستگی دوسوگرا و مهارت های اجتماعی برابر (3/058) می باشد که بزرگتر از مقدار (1/96) است و نشان دهنده این است که ارتباط میان سبک دلبستگی دوسوگرا و مهارت های اجتماعی در سطح اطمینان (95٪) معنی دار است. همچنین ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (0/291-) است و میزان تاثیر منفی سبک دلبستگی دوسوگرا بر مهارت های اجتماعی را نشان می دهد. به عبارتی دیگر یک واحد تغییر در سبک دلبستگی دوسوگرا، موجب کاهش 0/291 واحدی در مهارت های اجتماعی خواهد شد. این بدان معناست که سبک دلبستگی دوسوگرا بر مهارت های اجتماعی تاثیر منفی و مستقیم دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تایید می شود.

6. بحث و نتیجه گیری

با توجه به آمار استنباطی، ابتدا مدل اندازه گیری ارزیابی و سپس برای انتخاب درست نرم افزار مورد استفاده، نوع توزیع داده ها مشخص شد. در نهایت روایی سازه با تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مسیر برای پاسخ به سوالات انجام شدند. فرضیه 1: بین سبک دلبستگی ایمن با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد. بررسی و تحلیل داده های جمع آوری شده در فصل قبل نشان داد سبک دلبستگی ایمن می تواند 26 درصد مهارت های اجتماعی را بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین افزایش دهد. از پذیرش این فرضیه چنین استنباط می شود که افراد برقرار کردن ارتباط با دیگران برایشان ساده است و دوست دارند به دیگران متکی بوده و از عدم علاقه آن ها ترس داشته باشند، مهارت های اجتماعی قوی تری دارند یعنی هنگام صحبت با آن ها به ایشان نگاه می کنند، خودشان سر صحبت را باز می کنند و درباره کمک به اطرافیان داوطلب می شوند. این فرضیه نشان داد اگر سبک دلبستگی ایمن به اندازه یک واحد بیشتر شود، می تواند تا 26 درصد مهارت های اجتماعی را بین دانش آموزان دختر را نیز افزایش دهد. یعنی یک دانش آموز که نسبت به دیگران یک واحد بیشتر دلبستگی ایمن دارد، 26 درصد بیشتر مهارت های اجتماعی داشته و بروز می دهد. کوران و همکاران (2021)، ابراهیم و همکاران (2018)، اولدمیدو و همکاران (2013)، و رفعتی و همکاران (1401) نیز در تحقیق خود به نتایج مشابهی دست یافتند. فرضیه 2: بین سبک دلبستگی اجتنابی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد. الگوی تحلیل مسیر و آماره تی محاسبه شده در فصل قبل نشان داد بین سبک دلبستگی اجتنابی با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از سنجش این فرضیه نشان می دهد زمانی که افراد همواره از این بترسند که طرف مقابل روزی تصمیم به قطع ارتباط بگیرد یا وقتی احساساتشان را به دیگران نشان می دهند آنها همان احساس را درباره شان نداشته باشند، کمتر درباره خوبی های دیگران با آن ها صحبت می کنند و از اینکه کسی برایشان کاری کند، خوشحال نمی شوند. این تاثیر 41 درصد و در جهت معکوس بود که نشان می دهد هر چه سبک دلبستگی

افراد اجتنابی تر باشد، مهارت های اجتماعی کمتری بروز خواهند داد، یعنی دوستانشان را کمتر دلداری داده و یا از اموال دیگران مانند اموال خودشان نگهداری نخواهند کرد. ابراهیم و همکاران (2018)، اولدمیدو و همکاران (2013)، رفعتی و همکاران (1401) نیز در تحقیق به همین نتیجه رسیده و با این نتیجه همسو بودند. فرضیه 3: بین سبک دلبستگی دوسوگرا با مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج بدست آمده در فصل قبل، سبک دلبستگی دوسوگرا با ضریب 29 درصد و در جهت معکوس بر مهارت های اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر قزوین تاثیرگذار است. یعنی اگر دانش آموزان دوست داشته باشند به دیگران نزدیک شوند ولی بترسند که آن ها بهشان صدمه بزنند و در اعتماد به دیگران همواره دچار مشکل باشند، کمتر از اینکه با دیگران صحبت کرده و ارتباط برقرار می کنند شاد خواهند شد و حتی به لطیفه های دیگران کمتر می خندند. این فرضیه نشان داد افرادی که بدون اجازه به وسایل دیگران دست می زنند یا برای بدست آوردن چیزی که میخواهند حاضرند دروغ بگویند، سبک دلبستگی دوسوگرای قوی تری دارند یعنی روی کمک دیگران حساب نمی کنند و مطمئن هستند در مواقع نیاز، دوستانشان در دسترسشان نیستند. ابراهیم و همکاران (2018)، اولدمیدو و همکاران (2013) نیز در تحقیق خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

منابع

- [1] رفعتی، ا.، تاجیک اسماعیلی، س. و تربتی، س.ن. (1400). نقش سبک های دلبستگی در مهارت های ارتباطی و ارزیابی نمرات تحصیلی دانشجویان. مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز. 12(1), 49-61.
- [2] Afzal, A. ., & Hussain , N. . (2020). Impact of Community Service Learning on the Social Skills of Students. *Journal of Education and Educational Development*, 7(1), 55-70. Retrieved from <http://jmsnew.iobmresearch.com/index.php/joeed/article/view/10>
- [3] Beltrán MI, Dijkerman HC, & Keizer A (2020) Affective touch experiences across the lifespan: Development of the Tactile Biography questionnaire and the mediating role of attachment style. *PLoS ONE* 15(10): e0241041. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0241041>
- [4] Bharathi, G., Venugopal, A. & Vellingiri, B. (2019). Music therapy as a therapeutic tool in improving the social skills of autistic children. *Egypt J Neurol Psychiatry Neurosurg* 55, 44 (2019). <https://doi.org/10.1186/s41983-019-0091-x>.
- [5] Cacioppo, M., Barni, D., &Correale, C. (2019).. Do Attachment Styles and Family Functioning Predict Adolescents' Problematic Internet Use? A Relative Weight Analysis. *J Child Fam Stud* 28, 1263–1271 (2019). <https://doi.org/10.1007/s10826-019-01357-0>.
- [6] Çelikbaş, Z., Y&açınkaya-Alkar, Ö.(2022). The Relationship Between Attachment Styles, Ruminative Response Styles, Dysfunctional Attitudes and Major Depression Diagnosis. *J Rat-Emo Cognitive-Behav Ther* 40, 905–927 (2022). <https://doi.org/10.1007/s10942-022-00446-2>
- [7] Curran, T., Meter, D., Janovec, A., Brown, E., & Caban, S. (2021). Maternal adult attachment styles and mother–child transmissions of social skills and self-esteem. *Journal of Family Studies*, 27(4), 491-505.
- [8] Demirci OO, Ates B, Sagaltici E, Ocak ZG, &Altunay IK. (2020)Association of the attachment styles with depression, anxiety, and quality of life in patients with psoriasis. *Dermatol Sin [serial online]* 2020 [cited 2023 Jul 3];38:81-7. Available from: <https://www.dermisnica.org/text.asp?2020/38/2/81/285352>
- [9] Demircioğlu, Z.I., &Göncü Köse, A.(2021). Effects of attachment styles, dark triad, rejection sensitivity, and relationship satisfaction on social media addiction: A mediated model. *Curr Psychol* 40, 414–428 (2021). <https://doi.org/10.1007/s12144-018-9956-x>.
- [10] Ebrahimi T, Aslipoor A, &Khosrojauid M. (2019).The Effect of Group Play Therapy on Aggressive Behaviors and Social Skills in Preschool Children. *J Child Ment Health* 2019; 6 (2) :40-52 URL: <http://childmentalhealth.ir/article-1-390-en.html>.
- [11] El Frenn, Y., Akel, M., &Hallit, S. (2022). Couple's Satisfaction among Lebanese adults: validation of the Toronto Alexithymia Scale and Couple Satisfaction Index-4 scales, association with

- attachment styles and mediating role of alexithymia. *BMC Psychol* 10, 13 (2022). <https://doi.org/10.1186/s40359-022-00719-6>.
- [12] El Frenn, Y., Akel, M., & Hallit, S. (2022). Couple's Satisfaction among Lebanese adults: validation of the Toronto Alexithymia Scale and Couple Satisfaction Index-4 scales, association with attachment styles and mediating role of alexithymia. *BMC Psychol* 10, 13 (2022). <https://doi.org/10.1186/s40359-022-00719-6>.
- [13] Fraley, R. C., Gillath, O., & Deboeck, P. R. (2021). Do life events lead to enduring changes in adult attachment styles? A naturalistic longitudinal investigation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 120(6), 1567–1606. <https://doi.org/10.1037/pspi0000326>.
- [14] Kim, H. M., & Miller, L. C. (2020). Are insecure attachment styles related to risky sexual behavior? Navarro-Gil, M., Lopez-del-Hoyo, Y., & Modrego-Alarcón, M. (2020). Effects of Attachment-Based Compassion Therapy (ABCT) on Self-compassion and Attachment Style in Healthy People. *Mindfulness* 11, 51–62 (2020). <https://doi.org/10.1007/s12671-018-0896-1>.
- [15] Lewczuk, K., Kobylińska, D., & Marchlewska, M. (2021). Adult attachment and health symptoms: The mediating role of emotion regulation difficulties. *Curr Psychol* 40, 1720–1733 (2021). <https://doi.org/10.1007/s12144-018-0097-z>.
- [16] Mende, M., Scott, M.L., & Garvey, A.M. (2019). The marketing of love: how attachment styles affect romantic consumption journeys. *Journal of the Acad. Mark. Sci.* 47, 255–273 (2019). <https://doi.org/10.1007/s11747-018-0610-9>.
- [17] Mohd Hasim, M. J., Hashim, N. H., & Mustafa, H. (2021). Married life: Measuring adult romantic attachment and satisfaction. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1037/cfp0000188>.
- [18] Nakhoul, L., Obeid, S., & Sacre, H. (2020). Attachment style and addictions (alcohol, cigarette, waterpipe and internet) among Lebanese adolescents: a national study. *BMC Psychol* 8, 33 (2020). <https://doi.org/10.1186/s40359-020-00404-6>.
- [19] Orlaith, P. (2019) An Investigation of the Association between Adult Attachment Styles, Emotional Intelligence and Marital Satisfaction as an outcome. Undergraduate thesis, Dublin, National College of Ireland.
- [20] Schimmenti, A., Musetti, A., & Costanzo, A. (2021). The Unfabulous Four: Maladaptive Personality Functioning, Insecure Attachment, Dissociative Experiences, and Problematic Internet Use Among Young Adults. *Int J Ment Health Addiction* 19, 447–461 (2021). <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00079-0>.
- [21] Suryanto, H., Warring, S., Kartikowati, R. S., Rorimpandey, W. H., & Gunawan, W. (2021). Study creativity with diverse social skills to support the learning process in future education. *Journal of Diversity in Learning (JDIL)*, 1(2), 85 - 89. Retrieved from <https://www.journalofdiversity.com/index.php/jdil/article/view/21>.
- [22] Teixeira, R. C. R., Ferreira, J. H. B. P., & Howat-Rodrigues, A. B. C. (2019). Collins and Read Revised Adult Attachment Scale (RAAS) validity evidences. *Psico*, 50(2), e29567. <https://doi.org/10.15448/1980-8623.2019.2.29567>
- [23] Vismara, L., Lucarelli, L. & Sechi, C. (2022). Attachment style and mental health during the later stages of COVID-19 pandemic: the mediation role of loneliness and COVID-19 anxiety. *BMC Psychol* 10, 62 (2022). <https://doi.org/10.1186/s40359-022-00767-y>.